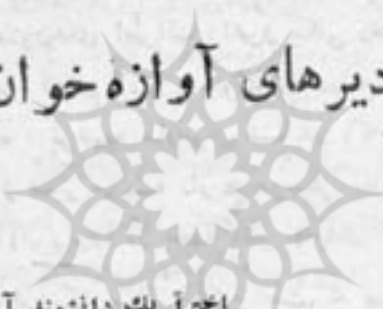


## دیرهای آوازه خوان ...



اخیراً يك دانشمند آلمانی بكتف این تکه توفیق یافته است که سرستونهای یکی از صومعه‌های کهنسال اسپانیا و کله حیواناتی که بر آن نقش است، از لحاظ موسیقی منتهوی دارد. بدین معنی که هر کدام از سرستونهای مزبور معرف يك صدای موسیقیت و تلسل آنها آهنگی خاص بوجود می آورد. مقاله حاضر شرح این کشف جالبست. «مجله موسیقی» از دوست محترم خود آقای «فون سپالارد» که متن آلمانی این مقاله را تهیه کرده است بدینوسیله تشکر مینماید.

در مغرب زمین کمتر کسی است که راهروهای تاریک سرپوشیده دیرهای قرون وسطائی با باغچه‌های وحشی و چشمه‌های آب آنها را نشاند و سرستون‌های دوبندو مساوی سنگین و خشن حیاط دیرها را، که گاهی بسیار نازک و ظریف دزدیر طاقی‌های گرد، تراشیده و خراطی شده‌اند ندیده و بغاظر نداشته باشد و بعد، درباره سرستون‌های غیر مشابه آنها که با مجسمه‌های حیوانات افسانه‌ای و نقش‌های غول‌آسا دریننده تولید

وحشت میکند، و تزیینات پیچ در پیچ مجدد آنها، از خود توجیه و تفسیری نخواست. باشد. این غولهای سحرآمیز، گاهی ما را بیاد اعصار اول خلقت جهان میاندازند و زمانی ما را بدورۀ ماقبل تاریخ میکشاند، درحالیکه منظور و معنای اصلی آنها کم شده است. آنوقت چنان بنظر میرسد، که این شیرها و گاوها و طاوسها فقط بنظور ترین بوجود آمده باشند.

### روابط سحرآمیز

بالاخره تاریخ موسیقی موفق شد، معنی آنها را دریابد و پیام آنها را قرائت کند و از اینراه هم خود و هم تاریخ هنر را یکقدم بیشتر براند. باز برای یکبار دیگر بشوت رسید، که همکاری علوم عقلانی تا چه حد مفید و مهم میباشد.

این کشف جدید، از دپسری در کاتالونسی (Catalogne) اسپانیا آغاز می شود. دیر «سان کوگات» (San Cugat) در این ولایت اسپانی دارای زیباترین راهروهای کلیسایی است. ستونهای اطراف راهرو بکلی دست نخورده و در جای اصلی خود باقی مانده اند. جز، اعظم آنها با حیوانات افسانهای، که از مختصات هنر رومان می باشد، تزیین شده؛ برنرور ماریوس شناسند، که از برلین به اسپانیا مهاجرت کرده بود، و امروز مدیر مؤسسه تاریخ موسیقی بارسلون است، باالهام بخصوصی سرستونهای حیاط آن دیر را از قطعه نظر جدیدی تحت دقت قرار میدهد.

امروز برای تاریخ فرهنگ بکلی روشن است، که تصور جهانی انسان بدوی تطابق مطلق میان پدیدههای عالم صغری (میکرو کوسم Microcosme) و عالم کبری (ماکرو کوسم Macroosome) بوجود آورده یعنی که صورتها و قالبهای مختلف این پدیده فقط مظاهر مختلف سبیل های عالی دیگری هستند. هر قالبی با قالب دیگری توافق دارد، و هر صورتی سنبلی پیش نیست. هر صورت پدیده می، بصورت تازه دیگری می پیوندد، که با آن دیگری، طبق قوانین و منطق سحر و جادو قابل تبدیل و هم ارزش است. چنانکه حیوانات روی زمین در عالم کل هر یک مفهومی دارند. عقاب مساوی آفتاب است، و بهمین ترتیب گاهگاهی میانه روز و آتش و رنگ سرخ را نشان می دهد. گاو بردار سنبلی است برای شب؛ زمین، سرما و غیره. از اینقرار نظام توافقی میان حیوانات و فصول سال و عناصر چهارگانه و ساعات روز و رنگهای مختلف و جهات آسمانی بدست می آید. خیلی بیشتر از آنچه که ما فکر میکنیم، این رمزهای کهنه در تصاویر جهانی مغرب زمین نیز وجود دارد.

۱ - سیکر رومان همان سبکی است، که در ادبیات گذشته «لاتین» گفته میشود. (م)



## آواز حیوانات برای خود رمزی است

انسان بدوی برای آواز حیواناتی که بصورت سنبل درآورده معنای خاصی قائل بوده، که آنها را از هم تفکیک میکرد. آهنگهای زیر نشانه‌ای آسمانی بودند و آوازه‌های بم و گرفته و غلبه از آن زمین.

چنانکه میدانیم، آلات موسیقی نیز در آغاز آلات عبادت و مذهبی بوده‌اند. به‌عنوان آواز برخی از حیوانات سببهایی از معناهای خاص طبیعت بودند، بعدها سر اعداد و سنبل‌ها نیز بر آنها افزوده شد. از این آواز سنبل‌های حیوانی کم‌کم گام موسیقی (Tonleiter) بوجود آمد، و روابط و نسبت‌های ریاضی نیز با آن درهم آمیخت.

در «فرهنگ»های مشرق زمین این صور بدوی عمر درازتری داشتند تا در مغرب زمین. زیرا در سرزمین‌های غرب مسیحیت بنحو دیگری علیه آداب و رسوم مذاهب بر بریت بسیار زود برداشته حال آنکه در مشرق زمین، محیط مساعد برای نشواین نوع عقاید و آلات از بین نرفته بود. در اینجا است که تاریخ هنور هم گاهگاهی بدوره پیش از خود دست می‌یابد.

چنانکه در یکی از رسالات ساگاردادا (Sagarda - Veda) از قرن سیزدهم برای حیوانات، فصول سال، نوت‌های موسیقی و احساسات سنبل‌های مشترک و مشابهی ذخیره شده است. با وجود بعضی از اختلافات کوچک سیستم نوت‌های غربی بطور مجمل با سیستم شرقی معادل است. در سیستم گام شرقی طائوس برابر do، گاونر

---

۱ - آلات عبادت و مذهبی (Kultgerate) - مقصود آلات وادواتی هستند که در تشریفات مذهبی بکار می‌روند. مانند مهر نماز یا حوضچه آب تعیند، همچنین (از آلات رزشتیان): ستره (Setre) و کشتی (Kosvti) و آتش‌دان و برسم Barsam و آسیابک رهبانان بت (م)

۲ - اعداد مقدس تقریباً در همه مذاهب، در نجوم، و عرفان موجود است. در شرع و در عرف بایا نفوذ این اعداد را می‌بینیم. مثلاً عدد ۳ در مسیحیت بصورت تثلیث است و نیز در افسانه‌های بافت میشود: «شاهی بود، سه پسر داشت، ... درختی که سه سیب (سه تریج) داشت. ... عدد ۷ در پرستش ماه یا مذهب «یهودی - مسیحی» در همه جا نفوذ بسیار دارد. این عدد را میتوان بنجوم شرقی (۷ سیاره) نسبت داد. در روایت مسیحی اصحاب کهف نیز ۷ نفر بودند، همچنین از عدد ۷، اعداد ۱۴، ۲۰، ۲۲، ۲۷ بیرون آمده، هفته مرده و چهارده معصوم و ... (م)

برابر ré، بز مساوی mi، شتر مرغ برابر fa، يك پرندۀ مجهول بجای sol، يك جانور تخیلی دیگر برای la وفیل بجای si است.

### سرود «سان کوقات»

اگر این لغت نامۀ عجیب و غریب را مورد نظر قرار دهیم، آنوقت میتوانیم مانند پرفسور شنايدر پیام اسرار آمیز ستونهای حیاط دیر سان کوقات را بخوانیم. سؤال اصلی ونخستین این بود: از کجا باید آغاز کرد؟ پیام از کجا شروع میشود؟ در اینجا نیز بدنیال فکر اصلی یعنی قالب سنبولیک فکری و تطبیق فلکی آن با راهروهای سرپوشیدۀ اطراف حیاط دیر، پرفسور شنايدر باین موضوع برمیخورد که در روز اول بهار که شب و روز مساوی هستند، دو ستون بخصوص در راهروی غربی باشعاع آفتاب پوشیده میشوند وشعاع آفتاب کم کم بطرف راهروی جنوب کشیده میشود، تا بعد از ظهر در هنگام غروب از روی آخرین ستونهای راهروی شرقی غروب کند.

اولین سرستونی که آفتاب روشن میکند، بانقش طاوس شاهانه مزین شده، که با نت do تطبیق میکند. پس از آن گاوش قرار دارد، بعد از آن دوشیر در حال چنگ باهم، و قس علیهذا... پرفسور شنايدر نت هائی را که با این صور تطبیق میکرد ضبط نمود و کم کم بیک طرح متشکل کنیوژیسیونی رسید، اما استدلال اینکه يك چنین طرحی وجود خارجی داشته یا اینکه تنهای پرفسور شنايدر تفسیر دلخواهی بیش نیست، هنوز باقی مانده بود. در اینجا تصادف بكمك او میشتاید. بدین معنی که در کتابخانه دیر سان کوقات مقادیر زیادی نوشته های موسیقی وجود داشت و پرفسور شنايدر هم برای وجود چنین نسخه های خطی موسیقی (که عبارت از سرودهایی در سبک آوازه های کرگورین و سویت هائی از زمانهای بعد از کرگوار بود) با آنجا رفته بود. در میان آنها پرفسور سه سرود یافت، که بافتخار قدسینی، که صومعه را بنام او بنا کرده بودند، یعنی سان کوقات ساخته شده بود.

« Ut pia tecum Cucufas beate regnā coelarum meritis tenentes »

وعجیب آنست که آهنگی که پرفسور شنايدر از سر ستونها استخراج کرده بود، کاملاً نوت به نوت با این سرود تطبیق می کرد: سر ستونها ای که با صور دیگر تزئین شده بودند، و در میان نوتها و بجارت بهتر تصویر حیوانات قرار داشتند و شنايدر در آغاز تأویلی بر آنها نیافته بود، ریتم « بودند و همچنین بازقت کامل و مطلق بانسخه های خطی تطبیق داشتند. حتی سرستونی، که طاوس و شیری را در جوار هم نشان می داد، تفسیر شد. در این نقطه در دو نسخه خطی اختلافی وجود داشت، که در یکی نوت «فا» و در دیگری «ر» بود. سنگتراش مقید بحفظ اصول، که بخورحق مداخله



نمیداد، هر دوی این «تبدیلات» را متجسم کرده بود.  
چه منظرة عالی و خدایانه‌ای است، آنگاه که برادران مذهبی دیر  
دستهای خود را در آستین فرو برده از زیر طاقی‌های راهروی سنگفرش شده طبق  
موقبت آفتاب در آسمان، چهار بند سرود خود را بر چهار بازوی صلیب میخوانند،  
و ۶۵ تا ۷۲ ستون حیاط، «آمین» دعای آنها را میگویند:

آیا راهروهای دیرهای روماتیک همیشه نمایش سرودی بوده‌اند؛ طبیعت این  
مسأله طرح می‌شود، که آیا این دیر کاتالونی‌سان کوگات و سان گرونه (San Gerone)  
که پروسور شاید تابعال رمز آنها را قرائت کرده است، تنها دیرهایی از این  
نوع هستند که وجود دارند، و یا آنکه در هنر رومان با مقیاس بسزرگتری این  
ترکیب معماری و موسیقی بکار رفته؛ آیا این طریقه و مجموعه اصول موسیقی برای  
هنر رومان در همه جا صادق است؛ یا آنکه راهب خردمندی، که سیستم موسیقی  
شرقی را بدست آورده بوده از آن برای بسکی دو کلیسا استفاده کرده؛ این مسأله  
فعلا بلا جواب میماند، بهر صورت راهروهای دیرها را بایستی از روی این قاعده تحت  
دقت قرار داد. تصور ما از هنر رومان، تطبیق اصول فلسفی آن با تصویر جهانی  
این عصر، و بالاخره اصول هنری آن عصر، می‌تواند گام بگام پیشتر رود و مورد  
توجه واقع شود. فعلا با این تصور اکتفا کنیم که راهروهای آرام دیرها برای  
ساکنین آن روز خود نه تنها یک لذت بصری بودند، بلکه مردم می‌توانستند آنها را  
بخوانند و بشنوند، و از شنیدن آنها لذت ببرند؛ سنگهای دیرها و کلیساهای قرون  
وسطایی سنگهایی بودند که موسیقی خود را با آواز بلند بگوش شنوندگان میرساندند...

پروفسور کاد علوم انسانی و ترجمه و تحویشی از م. فاطمی

مركز جامع علوم انسانی